



# ظرافت‌های تربیت در ساحل سبز فطرت

خدیجه معین

ادامه مبحث توانایی‌های جوان برای پذیرش کمال  
(جامعیت استعداد‌های جوان) قسمت دهم

## ● مقدمه

جوانی مهمترین بخش از کتاب زندگی است. دوره شکوفایی و رشد استعداد‌های بالقوه‌ای که قادر حکیم در خمیره وجود انسان به ودیعت نهاده است. تحول جوانی همراه با بروز نیازهای جسمی و روحی، مادی و معنوی است. پافشاری روی خواش‌های کودکی جای خود را به اندیشه‌های بزرگ و بعضاً آرمانی داده است و تأکید بر روی این آرمان‌ها، سبب افت و خیز حالات جوان است. او می‌خواهد خود تجربه کند، حتی اگر نابود شود، اگر بگویی این چاه است، می‌گوید می‌خواهم خود ببینم و افتان در قعر چاه را مشاهده کنم. البته در ضمیر او حرف شکست نیست و فقط به موقعیت می‌اندیشد. می‌گوید دیگران نتوانستند، اما من می‌توانم و شکست نمی‌خورم. اگر بگویی ۵۹ درصد در این کار ناموفق بوده‌اند، می‌گوید من جزء آن پنج درصد هستم. البته این روحیه می‌تواند سبب صعود یا سقوط شود. بسیاری از اندیشمندان و فرزندان، جوانان سخت‌کوش و پر جرات بوده‌اند، اما تعداد قابل توجهی از شکست‌خوردگان معنوی همین جوانان پرخطر بوده‌اند که فقط به اندیشه‌های خود متکی بودند و پس از ورود در باتلاق سعی نکردند یا نتوانستند خود را نجات دهند و گرفتار عمق باتلاق شده و به ورطه سیاه عصبیان و نافرمانی الهی گرفتار شده‌اند.

جوانان باید از شور و نشاط و سرزندگی و پناسیل های خود برای کشف، آموزش، تجربه و بالندگی استفاده کنند. کاستی ها را با زانوی ادب در پیشگاه استاد جبران کنند و با همت و تلاش و پندگیری به بروز توانایی ها و تعادل برسند. پدران و مادران و مربیان باید به اصول همراهی و همدلی با آنها آشنا باشند و به جوانان به عنوان شاگرد کلاس تجربه بنکرند و همانند استادی اکاد، بشناسند بیاموزند و عمل کنند. در این راه حتی از بعضی عواطف خود بگذرند و درس صبر و استقامت بیاموزند. تربیت شدن سخت و دشوار است اما، چشیدن ریج این برهه سبب بهره‌مندی و چشیدن شیرینی به بار نشستن میوه آن یعنی کمال انسانی است. والدین در ابر زودگذر فرصت جوانی، آن‌ها را آگاه می‌کنند تا کامهای تکامل و سازندگی را محکم و استوار بردارند.

نیت نویسنده از مطرح کردن این مباحث در شماره‌های پیشین و این شماره بهره‌مندی از قرآن و روایات و علوم جدید برای رسیدن به ساحل سبز تربیت فرزندانمان و لطیف شدن به قایق نجات برای عبور از دریای پرتلاطم زندگی و رسیدن به ساحل نجات و رستگاری است.

از شماره پنجم مجله مباحث ما تحت عنوان‌های مختلف به سه دوره از زندگی فرزندانمان (کودکی، نوجوانی و جوانی) و ظرافت‌های تربیت آنها اشاره کردیم. والدین به جوانان درس خویشتنداری و استقامت، واقع‌نگری اعتدال در خودخواهی و خودپرستی نه رقابت سالم، اعتماد به نفس، وفای به عهد، هدایت خواهش‌ها و انگیزه، بهره‌مندی صحیح از لذات، رشد و بالندگی در جهت هدایت مبارزه با نفس و خواهش‌های پرفریب، استقامت در راه کسب ارزش‌های الهی و انسانی، استقلال و آزادی، انعطاف‌پذیری و انطباق با شرایط جدید، خودشناسی، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی او.... و پاسخ‌گویی به نیازهای معقول، الگوپذیری.

مباحث جامعیت استعداد‌های جوان و توانایی‌های پذیرش کمال در جوان را در نوزده عنوان مطرح کردیم. در این شماره و شماره‌ی بعدی به موارد دیگری از موضوع توانایی‌های جوان برای پذیرش کمال و ظرافت‌های تربیتی می‌پردازیم. در این خصوص، مطرح می‌شود. امید است مورد بهره‌برداری والدین و مربیان گرامی در تربیت قرآنی فرزندان‌شان قرار گیرد.

## ۲۰- نشاط روحی:

همه ما برای زیستن و آرامش نیاز به نشاط روحی داریم تا در سایه این نشاط و آرامش به سعادت دنیا و آخرت برسیم. از میان دوران عمر، جوانان بیشترین مشتریان نشاط و شادابی هستند. نیاز جوان به نشاط و شادابی يك نیاز اصولی و فطری و تکاملی است. زیرا جوان امید به آینده و سازندگی دارد. نشاط و شادابی می‌تواند نیرو و قوت جوان را مضاعف کند و روحیه مقاومت در او ایجاد کند، سختی‌ها را تحمل کند و برای رسیدن به مقصود تلاش نماید. شادی و نشاط از حالات روحی روانی است که هیجانانگیز مثبت ایجاد می‌کند. و جوان می‌تواند به این وسیله با خانواده و اجتماع خود ارتباط منطقی ایجاد کند و نیز بر غم و اندوه و استرس‌های عصبی چیره شود. جوان با نشاط، می‌تواند به خویشتن احترام گذارد و با عزت نفس و کرامت به انسانی همه جانبه تبدیل شود. والدین در ایجاد این نشاط و شادابی نقش موثری دارند، حال می‌پرسیم چگونه این حالت را ایجاد کنیم. با بهره‌مندی از آیات و روایات به این سوال پاسخ می‌دهیم.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: بر خردمند است تا عقلش شکست نخورده، برنامه‌ی وقت‌هایش چنین باشد: زمانی را با پروردگار راز و نیاز کند و زمانی را به حسابرسی از خود اختصاص دهد و زمانی را برای بهره‌بردن از خوشی‌های حلال بگذارد، زیرا این زمان، یاری‌کننده‌ی دیگر زمان‌ها باشد و دل‌ها را آرام و فارغ گرداند. ۱۰  
در جای دیگر پیامبر (ص) می‌فرمایند: برنامه روزانه را چهاربخش کنید: زمانی را به راز و نیاز با پروردگار، زمانی را به حسابرسی از خود و زمانی نزد دانشمندان برود تا او را در کار دین، بینا کند و وی را اندرز دهند؛ و زمانی را به خوشی‌های حلال و زیبای دنیا اختصاص ده. ۲۰

### ● عوامل نشاط در لسان معصومین (علیهم السلام):

- ۱- بوی خوش، لباس نرم و خوردن غسل سوارکاری، به سبزه نگاه کردن، همسر پاکدامن و رفیق و بی‌آزار، تفریح سالم و گردش، شوخی
- پسندیده، اسب سواری، شنا، تیراندازی، کشتی و مسابقه. ۳۰
- ارسطو درباره‌ی شادکامی می‌گوید: شادمانی عبارت از پروراندن و نشو و نما دادن عالی‌ترین صفات و خصایص انسانی
- ناپلئون می‌گوید: شادکامی برای من عبارت از نشو و نمای نیروها و استعداد‌های

درونی و کمال آنها در مسیر زندگی است؛

کنفوسیوس دانشمند چینی، شادکامی را این گونه تعریف می‌کند: سه گونه شادمانی مایه خوشبختی و سه گونه آن باعث بدبختی است: شادی از تسلط بر نفس به وسیله تربیت و هنر؛ شادی از گفت و گو در باره‌ی فضایل دیگران و شادی از دوست داشتن دوستان لایق و نیک سیرت مایه‌ی خوشبختی بوده سودبخش است؛ اما شادی از مال و جاه و شادی از تنبلی و سرگردانی و شادی از شکم‌پرستی زیان‌آور بوده، مایه بدبختی است.

مواردی که برای شادی و نشاط نام بردیم در بین برخی آیات قرآن تلویحاً اشاره شده است و در رد آنها سخنی گفته نشده است که می‌تواند به معنای تصدیق آنها باشد، از جمله در آیه:

... لیسکن الیها... ۵ در مورد حضرت آدم و: ... لتسکنوا الیها... ۴ در مورد نوع انسان. یا آیه: قالوا یا ابانا انا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عندنا متاعنافا... ۷ (برادران یوسف) گفتند ای پدر ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم و یوسف را نزد اثاث خود گذاریم و...

روش پیامبران (ص) و ائمه (ع) اینگونه است که اگر تقیه نکنند، هرگز در برابر یک حرکت نامناسب سکوت نمی‌کنند تا مبادا مردم به آن تشویق شوند. در آیه بالا سکوت حضرت یعقوب در برابر بحث مسابقه، معنادار است. ممکن است اعتراض شود که حضرت یعقوب می‌دانست که آنها دروغ می‌گویند، در پاسخ می‌گوییم، امکان پرخاش به فرزندان که چرا باید به مسابقه بپردازند، وجود داشت. از همه اینها بگذریم در فقه شیعه مباحث مفصلی راجع به مسابقات اسب‌سواری و تیراندازی داریم که اصطلاحاً سبق و رمایه می‌گویند. به کتب فقهی مراجعه شود.

آن دو آیه هم (لیسکن الیها - لتسکنوا الیها) التذاذ روحی و آرامش یابی انسان را در پرتو ازدواج مطرح فرموده که روایات فراوانی در ترغیب به تشکیل زندگی آمده است که از باب نمونه نبی اکرم (ص) فرموده‌اند: ازدواج سنت من است و هر کس نسبت به سنت من بی‌رغبتی نشان دهد، از من نیست؛

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **وَانكحُوا الایامی منكم و الصالحین من عبادكم و**

امائکم... ۸

به بزرگتران دستور می‌دهد که زمینه ازدواج فرزندان خود را فراهم سازید حتی

برندگان و کزیزان را که در صدر اسلام طبق ضابطه خاصی در جنگ‌ها اسیر می‌شدند و با چاره‌سازی‌های گوناگون، آزاد می‌شدند.

با توجه به عوامل نشاط‌آور متوجه می‌شویم که ایجاد این روحیه در سایه توجه داشتن به موضوعاتی است که والدین باید به جوانان خود گوشزد کنند از جمله:

- نگرش‌های گوناگون به خویشتن خویش، پاسبانیاز هدف‌ها، هموار کردن ناهمواریها، تلاش مداوم و توجه و دقت به زمانه‌ها، اصلاح قضاوت و تفکر، واقع‌گرایی و رویاگری، جسارت در قبول مسوولیت و خطاها

## ۱۲- استقلال طلبی:

سرانجام زمانی که پاکدامنی حضرت یوسف به همگان ثابت شد و همه فهمیدند که جرم ایشان تقوی، پرهیزکاری و پاکدامنی‌اش بوده است، پس از آنکه دستور آزادی حضرت صادر شد متوجه شدند که یوسف فرد عادی نیست و از آگاهی و علم و حکمت و ایمان برخوردار است. عزیز مصر که به عقل و درایت و ایمان یوسف (ع) پی برده بود، گفت: *أَنْتَ الْيَوْمَ لَدُنْيَا مِیْکَنْ اَمِیْنٌ* تو امروز نزد ما منزلت عالی داری و مورد اعتماد من هستی حضرت یوسف بلافاصله گفت: *أَجْعَلْنِی عَلِی خَزَائِنِ الْاَرْضِ اَنْنِی حَفِیْظُ عَلِیْمٌ*. مراسم پرست خزان سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم جای شگفت است که این جوان چگونه توانسته است در سال‌هایی که در زندان سپری می‌کرده، همچنان اعتماد به نفس خویش را حفظ کند و برای نجات مردم از هلاکت، به عزیز مصر خدمت کند. نکته قابل ملاحظه در این آیه این است که حضرت یوسف به دنبال اثبات توانمندی‌های خویش بود و نیز استقلال اقتصادی خود را عملی کند (البته ایشان از طرف خداوند مأمور پرداختن به امور مردم نیز بودند).

نکته: ممکن است سوال پیش آید که: چرا یوسف دعوت طاغوت زمان خود را پذیرفت؟ جواب این مطلب در ذیل تفسیر آیه در تفاسیر، مفصل آمده است. نکته مهم، آن که جواب در آخر آیه آمده است: ... حَفِیْظُ عَلِیْمٌ او به عنوان انسان امین و آگاه عهده‌دار این مسوولیت شد، تا بیت المال را برای مردم و به نفع آنها حفظ کند و در مسیر منافع مردم به ویژه مستضعفان به کار گیرد. دوم از طریق تعبیر خواب فهمیده بود که مردم در یک برهه‌ی زمانی فراوانی و نعمت دارند و باید با برنامه‌ی دقیق برای

دوره‌ی سختی و قحطی، به آنها کمک کرد. سوم اینکه در فقه اسلامی بحث قبول ولایت از طرف ظالم همیشه حرام نیست، بلکه گاهی واجب یا مستحب است و این زمانی است که منافع پذیرش آن و مرجحات دینی آن بیش از زیان‌های حاصل از تقویت دستگاه باشد. ۱۰. به هر حال، قبول یا رد این گونه پست‌ها، تابع قانون اهم و مهم است و باید سود و زیان آن از نظر دینی و اجتماعی سنجیده شود.

اینکه در روایات ما تأکید بر مشاور قرار دادن جوان و وزیر بودن برای پدر و مادر است، عنایتی شگفت به روحیه استقلال خواهی او است.

## ۲۲- الگوجویی

یکی از لحظه‌های جوانی که در همه جای دنیا به سراغ جوانان می‌آید، الگوخواهی و الگوگیری است. این مقطع گذرا، اگر به خوبی هدایت شود سبب رشد، ارتقاء، کمال و آرامش جوان خواهد شد، همچنانکه اگر به خطا برود سبب انحطاط او می‌شود. جوان به خاطر اینکه کمال‌گراست و نیاز به اتکای قوی دارد لذا الگوجویی در او شدت می‌یابد و از آنجایی که هنوز تجربه سرد و گرم روزگار را ندارد و به موفقیت می‌اندیشد ستارگان زندگی موفق را مدنظر دارد. این روحیه مانند جمع شدن آب در پشت سد است که بی‌نهایت حیات بخش است و اگر مسیرهای جریان آب حساب شده نباشد، تبدیل به سیلی ویرانگر خواهد شد.

البته در بسیاری افراد الگوها براساس نوع نگرش‌ها، انتخاب می‌شوند و این الگوگیری می‌تواند صحیح و مطلوب و عاقلانه و یا احساسی و نامطلوب باشد. قرآن کریم، با توجه به ضرورت الگوگیری، نمونه‌های بسیاری از این الگوها را مطرح فرموده است.

قرآن هم الگوهای مثبت و هم الگوهای منفی معرفی نموده است. در آغاز تمایل به يك فكر و روش در انسان‌ها شکل می‌گیرد آنگاه تمایل به شخصیت‌هایی که مظاهر آن فكر و روش هستند، شکل می‌گیرد.

مثلاً مال پرستان، در آغاز مال پرست می‌شوند، سپس تمایل به قارون‌ها تحقق می‌یابد. البته از آنجایی که انسان‌های جدا شده از خدا، فقط به خویشتن حیوانی می‌اندیشند اقتدای آنها به الگوهای ناصواب قرین با تکریم قلبی و حرمت‌گذاری نیست و از آن دیگر به آنها نظر می‌کنند که خویشتن را بارورتر کنند.

## و اما الگوهای صواب و مثبت قرآنی

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ... ۱۱  
قطعاً برای شما در (اقتدا به) پیامبر خدا، سرمشقی نیکوست؛ برای آن کس که به خدا و زور باز پسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند  
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ... ۱۲  
برای شما در ابراهیم و همراهان او سرمشقی نیکوست. آنگاه که گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم...:

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُكُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ۱۳ (گروهی) گفتند: شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بت‌ها سخن می‌گفت که ابراهیم نامیده شده است؛  
نمونه‌های دیگر از معرفی الگو در سوره‌های زمر، کهف، تحریم، ممتحنه، یوسف، قصص، مریم، کوثر، انسان و بقره می‌باشد. ۱۴. خداوند نمونه‌های انسان‌های خوب و عالی و انسان‌های دانی و پست را مثال زده است. برای دست‌یابی بیشتر به الگوهای قرآنی، الگوهایی از اهل بیت در قرآن و الگوهایی از یاران پیامبر (ص) و علی (ع) برای جوانان، شما را به کتاب حکمت نامه جوان، ارجاع می‌دهیم. ۱۵

### ● ثمرات الگوگیری مثبت:

دانشمندان گفته‌اند برای شکل‌گیری و تربیت انسان، میان‌بُرتترین راه‌ها، دیدن روش مربی است که آموزش‌های عملی است. به همین دلیل در روایات آمده است: *كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّنْتِكُمْ*. دعوتگران مردم باشید با غیر زبان. برای سیر و سلوک شاگردی کردن از لوازم پیروزی در کمالات معنوی است.

طی این مرحله به همراهی خضر مکن

ظلمات است بت‌رس از خطر گمراهی

(حافظ)

برای جوانان، دیدن روش خودساخته‌ها، تأثیرگذارتر و نافذتر است و باید گفت، جوانان خواهان صدق و صداقتند و الگوهای کامل، مظاهر صدق و راستی هستند.  
جوان با آشنایی با الگو و نمونه‌های شایسته می‌تواند به زندگی خود هدف دهد و نتایج ارزشمندی کسب کند نتایجی مانند: تکامل روح و روان، شکوفا کردن استعدادها، جهت‌مند کردن تفکر و اعتقادات آشنایی با نسل‌های فرهنگ پیشین و کنونی، اصلاح

طریق و شیوه‌های تربیتی، داشتن دلیل محکم برای اهداف خود. اصلاح شخصیت خود و شناساندن افراد برتر به دیگران.

## ۲۲- روحیه‌ی کشف:

روحیه کشف حقیقت بیشتر از درون جوانان برمی‌خیزد. انسان تا سن جوانی بیشتر می‌بیند و می‌شنود و کمتر فکر می‌کند و در پی یافتن و کشف حقیقت است. سرعت و شتاب جوان در بیشتر حرکت‌ها ناشی از روحیه کشف سریع است و آرامش پیران به دلیل فروکش کردن این التهاب.

هر چیز بهاری دارد و بهار خواسته‌های انسان، فصل جوانی است. خداوند انسان را برای آشنایی با خودش آفریده است و کشف در حد توان و راهیابی به معدن عظمت. در مناجات شعبانیه آمده است:

... تا آنجا که چشمهای دل‌ها، حجاب‌های نور را درنوردد و به معدن عظمت برسد... برای کشف، نشاط لازم است که خداوند همه را یکجا در نهاد جوان نهاده است. ۱۶

از آنجایی که گفتیم جوانان در پی کشف و شهودند، قرآن اصحاب کهف را که به عقیده آنها پیرمردانی بودند، گفته است جوانان زیرا آنها شبیه جوانان بودند و جویای کشف حقیقت بزرگ و راهیابی به سرمنشأ هستی. : ... انهم فتیه امنوا بر بهم و زناهم هدی. ۱۷. ما داستان آنها را که به حق برای تو بازگو می‌کنیم، آنها جوانانی بودند که به پروردگارش ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم:

در سن جوانی بدن نیرومند و احساس پر جوش و قلب آماده پذیرش است و برای یافتن و فهمیدن پرانرژی.....

جوانان عاشق کشف جهان، اشیاء، طبیعت و اشخاص هستند و می‌خواهند به حقیقت امور پی‌ببرند. بیشتر خواستار دانستن هستند تا بتوانند اظهار نظر کنند در مسایل مختلف جامعه، از قبیل اعتقادی، علمی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی مداخله و نظر دهند. جوانان تمایل دارند در مورد آیین‌های مختلف بیاموزند و...

لذا باید جوانان را تشویق کرد که در وهله اول بگونه فشرده با معارف اسلامی از طریق تفسیرهای مختصر و یا آثار بزرگان آشنا شوند و بعد از طی این مرحله، با متن کتاب‌های دیگر آسمانی هم آشنا شوند. این کار هم پاسخی است به عطش کشف در



جوان و نیز باعث تحکیم اعتقادات اسلامی خواهد شد؛ زیرا ارزش معارف اسلامی گاهی در مقایسه با متن مانده از آیین های آسمانی پیشین، روشن می شود.

## ۲۴- تکریم و احترام:

و لقد کرّمنا بنی آدم و ۱۸۰۰۰ ما بنی آدم را گرامی داشتیم (کرامت دادیم) و ... از آنجا که عزّت و کرامت یکی از اساسی ترین اصول است در تربیت، خداوند شخصیت انسان را وابسته به تکریم و احترام می داند و می فرماید ما به نوع بشر کرامت دادیم. در سیره ی معصومین

علیهم السّلام هم شخصیت دادن به افراد و تکریم و گرامی داشت آنها بسیار سفارش شده است.

مسأله تکریم و احترام همیشه در سیر زندگی بشر از حساسیت ویژه ای برخوردار بوده است. زمانی که یوسف به عزیزمصر فروخته شد، نوجوانی بیش نبود، عزیز مصر به همسرش گفت: ... اگر می مژواه ۱۹۰۰۰ این جوان را گرامی دارن نکته قابل ملاحظه در این سخن این است که معمولاً در چنین مواقعی، سفارش می کنند، وسایل راحتی و تغذیه ای شخص را فراهم کنند. و عزیز مصر نگفت این پسر را آب و غذا بدهید، بلکه گفت او را گرامی دارید. خداوند در این آیه به همه انسان ها گوشزد می کند که احترام به شخصیت افراد مقدم بر تغذیه جسمی

پیامبر اعظم (ص) در همه مراحل زندگی شان به شأن و مقام جوانان احترام ویژه ای می گذاشتند. می فرمودند: برای جوانان در مجلس ها، جا باز کنید و حدیث را به آنان بفهمانید زیرا آنان جانشین پدران خویشانند در سیره پیامبر اکرم (ص) تکریم و احترام به شخصیت افراد عنایت زیاد می کنند. وقتی شخصی که در بین قوم و کشور خود عزیز بود، به اسارت مسلمین درمی آمد، پیامبر دستور می دادند با این شخص با احترام بیشتری عمل کنند.

اهمیت کرامت و عزت نفس به قدری است که اسلام در تمام برنامه های افراد اهمیت این موضوع را مدنظر داشته است. امام صادق (ع) می فرمایند: من با نفس خود هیچ موجودی را برابر نمی کنم، جز پروردگارم. تمام دنیا غیر خدا را با این گوهر نفس برابر نمی کنم ۲۰

جوانان انتظار دارند والدین و همه فامیل و دوستان به آنان احترام گذارند و با آنان

مانند يك انسان بالغ و كامل رفتار نمايند. محبت افراطی و امر و نهی و نوازش بچه گانه نكنند و آنها را تكريم و احترام كنند.

آيات قرآن و نكات مهم تربيتی را با الفاظ نرم و زيبا بيان فرموده است در سوره لقمان در توصيه های لقمان نكته بسيار ظريفی گنجانده شده است: «وَأَذَقَال لِقْمَانَ لَابِنَهُ وَهُوَ يَعْظُمُهُ يَا بُنَيَّ ۲۱... زمانی که لقمان حكيم به فرزند خود با زبان موعظه و اندرز فرمود: فرزند عزيز...؛ جالب است که خداوند كيفيت سخن گفتن لقمان را با كلمه‌ی «هُوَ يَعْظُمُهُ» بيان فرموده است و به همه والدين اين نكته تربيتی را متذکر ساخته است. اگر اين جمله در وسط كلام نيامده بود كيفيت سخن به خوبی مشخص نمی شد و فقط اندرزها به ذهن می آمد. اما خداوند می فرمايد اين حكيم دانا فرزندش را بالحن گرم و عزتمندانه مورد خطاب قرار داده و كرامت فرزندش را در نظر داشته است و لفظ او آمرانه و تحقيركننده نبوده است. ۲۲

علی (ع) می فرمايند: کسی که به شرف معنوی و كرامت نفس خود عقیده دارد با پليدی گناه، خوارش نخواهد ساخت  
دانشمندان روان شناسی همه معتقدند یکی از اساسی ترین نكات تربيتی که شخصيت افراد را معتبر می سازد، همين عزت نفس و كرامت و احترام به خود و ديگران است.

مازلو می گوید: هنگامی که نياز احترام به خود ارضا شود، شخص احساس اعتماد به نفس، ارزشمندی، توانایی قابليت و كفايت می كند و وجود خود را در دنيا مفيد و لازم می يابد، اما عقيم ماندن اين نيازها موجب احساس حقارت ضعف و نومیدی می گردد؛ ۲۳

ناگفته نماند که جوانانی که به نسايح و اندرزهای مشفقانه و تكريم و احترام والدين، توجه نكنند روزگار سخت آنها را ادب خواهد كرد.

امام علی (ع) می فرمايند: آن کسی که روش های كريمانه و اندرزهای خيرخواهانه اصلاحش ننمايد، هتك حرمت و توهين های اجتماعی اصلاحش خواهد كرد. ۲۴



۱- الخصال: ص ۵۲۵ ح ۱۲ به نقل از حكمت نامه جوان نوشته محمدی ری شهری

۲- الخصال: ص ۵۲۵ ح ۱۲ به نقل از حكمت نامه جوان نوشته محمدی ری شهری

۲- روضه الواعظین : ص ۸ به نقل از حکمت نامه جوان نوشته محمدی ری شهری

۴- خنده شوخی، شادمانی ص ۷۴-۷۲

۵- اعراف، ۱۸۹

۶- روم، ۲۱

۷- یوسف، ۱۷

۸- یوسف، ۱۷

۹- یوسف، ۱۲ آیه ۵۴

۱۰- یوسف، ۱۲ آیه ۵۵

۱۱- تفسیر نمونه، ج ۱۰ ص ۷

۱۲- احزاب ۲۱

۱۳- ممتحنه ۴

۱۴- انبیاء ۶۰

۱۵- زمر ۲۷- کهف ۳۲ و ۴۵ و ۱۳- تحریم ۱۱ و ۱۰- ممتحنه ۶ و ۱۶۴- یوسف ۲۴

و ۲۳، ۲۲، ۲۳، ۵۴، ۵۶ و ۹۹- قصص ۱۴، ۲۴، ۲۵ و ۶۲- مریم ۵۱ بقره ۲۰۷ و

۱۲۷ کوثر ۱-۳- انسان ۸۰

۱۷- حکمت نامه جوان، محمدی ری شهری، ص ۱۹۲-۱۹۳

۱۸- مفاتیح الجنان - اعمال ماه شعبان

۱۹- کهف - ۳۱

۲۰- اسراء ۷۰

۲۱- یوسف ۲۱

۲۲- الفردوس: ج ۱ ص ۹۸ به نقل از حکمت نامه جوان

۲۳- لقمان، ۱۳

۲۴- غررالحکم، ص ۶۷۷

۲۵- به نقل از کتاب نسل جوان، احمد لقمانی، ص ۶۹

۲۶- غررالحکم، ص ۷۱۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی